

دغدغه‌های رهبری

در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۹۰ کتابداران کتابخانه‌های عمومی و سایر کتابخانه‌ها ملاقاتی با رهبر معظم انقلاب داشتند. انجام چنین برنامه‌هایی هر از گاه در کشور می‌تواند به معرفی گروه‌ها و اصنافی بینجامد که یا فراموش شده‌اند و یا خدماتشان فراموش شده است و یا خدمات واقعی که باید توسط آن‌ها انجام شود، انجام نمی‌شود و یا خود آنان و یا جامعه نسبت به آن بی‌تفاوت و یا بیگانه شده‌اند. به این مناسبت روز ۲۸ تیرماه روز کتابدار هم نامیده شده است که خود این نام‌گذاری می‌تواند یادآور یکی از موارد بالا باشد؛ به شرطی که به صورت عادت در نیاید و هر روز در یک سال، مقوم و مجدّد فعالیت و اخذ توان لازم برای بقیه سال باشد. به این معنا که کتابدار و کتابداری فقط منحصر به یک روز نباشد، بلکه آن روزو روز بازبینی، بازنگری، یا تجدید عهد و میثاق و پرش و جهش به سوی آینده‌ای روشن باشد.

آنچه جالب توجه بود محورهای بحث مقام معظم رهبری درباره کتاب، کتابخانه و کتابدار بود که از آن جمله می‌توان بر موارد زیر اشاره کرد:

میزان مطالعه، از نکات بارزی بود که مطرح شد و این نشانگر دغدغه اجتماعی و همگانی برای مطالعه است که خواست همه جوامع علمی است. از نظر ایشان هم آمارهای گوناگون و با دیدگاه‌های گوناگون که گاه متعارض‌اند پاسخگو نیست. ایشان مطالعه را به عنوان امری اساسی در زندگی جوامع مطرح کردند که نه تنها تحصیل‌کردگان و فرهیختگان بلکه عموم مردم باید به آن بیندیشند و جزو برنامه‌های زندگی خود قرار دهند. به مطالعه باید با نگاهی مثبت، پویا و فعال نگریسته شود که در آن مطالعه‌کننده به هم‌اوردی فکری با همکار یا همتایان علمی خود در محیطی آرام و خلوت و بدون حضور و یا نظاره کسی، با صفا و صمیمیت مشغول است و داوری آن را نیز خود بر عهده دارد؛ به این معنا که قضاوت خواهد کرد که در این مبارزه فکری آیا پیروز است، مساوی

است و یا شکست خورده است و در نتیجه‌ی این مبارزه آیا به مطالعه ادامه خواهد داد و یا آن را برای همیشه واگذار خواهد کرد و یا مسیر را تغییر خواهد داد. مطالعه به عنوان یک مسابقه فکری در محیطی آرام و خلوت قطعاً فارغ از هرگونه صفات ناپسند انسانی انجام می‌شود که در مسابقه‌های ظاهری، در بسیاری از موارد دامن گیر افراد می‌شود و خاطره‌های بدی بجای می‌گذارد و موجب تأثر و افسوس عده‌ای می‌شود.

تأکید ایشان به میزان مطالعه تأکیدی مجدد است که در راه تعالی نباید به کمیت آن بی‌تفاوت بود. کمیت در خود نشانی از کیفیت دارد و شاخصی است برای توجه در رغبت جامعه‌ای به کتاب و کتاب‌خوانی و یا عدم آن.

نکته دومی که مورد توجه ایشان بود توجه به نقش کتابدار است. کتابدار نه موجودی خنثی بلکه به عنوان عنصری فعال در رابطه بین خواننده و مجموعه است کتابداران با تحمل مشقات کار، آن چنان خدمات خود را باید به جامعه عرضه کنند که رغبت آن‌ها را روز بروز بیفزایند. تصویری که ایشان از کتابدار آستان قدس دادند یاد آور افراد دلسوخته، کم توقع و با نشاطی است که به ویژه در زمان ما نباید از آن غفلت شود.

نکته سومی که مورد توجه ایشان بود تذکر ایشان نسبت به کتاب خوب بود. به درستی جان آدمی نیاز به غذا دارد همچنان که جسم انسان هم نیاز به غذا دارد. از این رو توجه و دقت فراوان انجام می‌شود تا بهترین و سالم‌ترین غذاها خورده و خورائیده شود و برای آن مؤسسات کوچک و بزرگ به تدارک آن می‌پردازند و سازمان‌های نظارتی در کشور ما همچون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، موسسه استاندارد و مانند آن بر کیفیت آن نظارت می‌کنند با این حال موارد عدیده‌ای از بروز بیماری‌ها گزارش می‌شود که باید برای درمان آن هزینه‌های فراوانی انجام داد. در مورد غذاهای روحی چگونه می‌توان بی‌تفاوت بود و چگونه می‌توان به صرف دادن شعار آزادی اجازه داده که خود ما، فرزندان و هم نوعان، انواع و اقسام مطالب را از نظر روحی دریافت کنند بدون آنکه

تولیدکننده آن را بشناسند، آلوده شدن فکر را از طریق واسطه‌ها بدانند و یا با سازمان‌های نظارتی آن آشنا باشند که چگونه بر کیفیت آن‌ها توجه دارند. اینکه هر فردی خود را تشخیص دهنده خوب و بد خوراکی‌های روحی و معنوی بداند و هیچ ناظری را بر آن طلب نکند مانند آن می‌ماند که در غذاهای مادی هم ادعا شود هر فرد به تنهایی می‌تواند کیفیت و صحت غذاهای جسمانی را محک بزند و نیازی به هیچ سازمان نظارتی نیست. بدیهی است همچنان که با همه دقت‌ها و نظارت‌ها در خوراکی‌های مادی باز موارد خلاف مشاهده می‌شود در غذاهای معنوی هم که بسیار لطیف‌تر و ظریف‌تر است چنانچه سازمان‌های مسئول و متعهد نظارت کنند باز هم موارد خلاف ممکن است مشاهده شود. بنابراین نباید به صرف اتکا به آزادی هیچ‌گونه نظارتی را نپذیرفت و هیچ ملاک و معیاری را قبول نداشت و خود را میزان و ملاک تشخیص خوب از بد در همه موارد دانست. تأکید بر کتاب خوب، می‌طلبد که برای تشخیص کتاب مناسب از غیر مناسب توجه کافی شود و افرادی خبره، باسواد، متعهد، دلسوز و بی‌غرض به تشخیص کتاب‌های خوب از بد تلاش کنند و کار به جایی برسد که اصولاً مؤلف، کتاب بد ننویسد. تشخیص کتاب‌های خوب از بد به عهده متخصصان هر فن است که این امر در علوم انسانی و اجتماعی از حساسیت بیشتری برخوردار است. گروه تشخیص دهنده در حوزه‌های گوناگون می‌توانند با ترتیب برنامه‌های خاص به تفکیک موارد خوب از بد اقدام کنند.

نکته دیگری در این مورد بیان ایشان در نوعی سطح‌بندی کتاب است به این معنا است که دایره خوب و بد با توجه افراد تغییر می‌کند. ممکن است کتابی خوب باشد اما برای سن خاص و فردی با معلوماتی خاص؛ اما همان کتاب خوب در رابطه با فرد دیگری نه تنها خوب نباشد که مضر باشد، خواننده را گمراه یا بی‌علاقه و از مطالعه خسته کند و در اینجا است که نقش کتابدار به عنوان مشاور امین، دلسوز و خبره می‌تواند بین کتاب مناسب و فرد مناسب رابطه برقرار کند. همه این‌ها زمانی تحقق پیدا می‌کند که جامعه‌ای مثل جامعه

ایرانی به اصولی معتقد و به مبانی‌ای پای بند باشد؛ والا اگر قرار باشد هیچ مبانی در زندگی برای فرد محترم و مورد توجه نباشد و در ضمن هر کس، خود را محور همه چیز بداند و عقل محدود خود را میزان و مقیاس انتخاب و تصمیم‌گیری کند و راهنما و مرشدی را همچون کتابداران دلسوز و باسواد و مؤمن قبول نداشته باشد طبعاً بحثی هم درباره کتاب خوب و بد منتفی خواهد شد.

اما آنچه بیش از همه گفتار ایشان نظر مرا به خود جلب کرد این است که چگونه می‌شود که فردی که با اصول کتابداری و اطلاع‌رسانی به معنای تخصصی آن آشنا نیست مطالبی را عرضه کند که از حاق نیاز جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی برمی‌خیزد و روی مطالبی انگشت گذارد که دغدغه واقعی جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی است. آیا این به این معنا نیست که مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و رای این طبقه‌بندی‌ها و دسته‌بندی‌ها و فرمول‌ها و فناوری‌ها، ناظر به اطلاع و دانشی است که از نیاز ذاتی و فطری بشر به اطلاعات و دانش سرچشمه می‌گیرد؛ به این معنا که مردم به طور خاص اگر با قوانین و کتابداری آشنا نیستند؛ اما می‌دانند که کتابخانه چه باید بکند و نیاز فطری و واقعی انسان یعنی دریافت و بازیابی اطلاعات و دانش را به عنوان اصلی‌ترین نیاز تشخیص می‌دهند و بر آن انگشت می‌گذارند. این به صراحت اعلام می‌دارد که همه این زرق و برق‌های خاص برای اصل اصیل رفع تشنگی اطلاعاتی و دانشی است که جامعه در همه زمان‌ها طالب آن است، زمان و مکان نمی‌شناسد و بزرگ و کوچک ندارد. بنابراین همچنان که در مثل، آب دریا و تشنگان باید آب تصفیه شود و یا آبراه‌هایی ایجاد شود تا تشنگانی که نمی‌توانند به دریا برسند از آب راه‌ها استفاده کنند و یا محلی برای پرورش ماهی تهیه و از آن ارتزاق کنند، کتابداران هم باید مجموعه کتابخانه را با آنکه طبقه‌بندی شده‌اند ولی برای بسیاری از نیازمندان غیر قابل استفاده است به سطوح گوناگون تقسیم کنند تا هر کس به فراخور نیاز و استعدادش بتواند از منابع استفاده کند. باید دید چه بسیار

کتابخانه‌های معظم و بزرگ در بین جوامعی که نیاز واقعی به آن‌ها دارند اما از هم بیگانه‌اند. بنابراین عواملی باید وجود داشته باشد تا رابطه بین این منابع ارزشمند با افراد جستجوگر و طالب علم که گاه خود می‌دانند و گاه هم نمی‌دانند برقرار کند.

سؤال اینجاست که چگونه است که در بسیاری از موارد بین منابع با آنکه به آن نیاز فراوان است و نیازمندان با آنکه بدانند نیاز دارند فاصله است و رابطه‌ای برقرار نیست گیر کار کجاست و مشکل چگونه حل می‌شود. مانند این می‌ماند که انسان تشنه در کنار دریاست اما امکان استفاده از آن را ندارد و یا بدتر از آن، آن را نمی‌شناسد و یا نمی‌بیند.

و اگر چنین است کتابدار همواره وظیفه مند است و کتابداری هرگز از بین نخواهد رفت. کتابداری و اطلاع‌رسانی نه به این معنا که در محیطی بسته کتاب‌ها را مرتب کند بلکه کتابداری که بتواند رابطه بین منابع با نیازمندان را برقرار کند و از این طریق دلسوزان جامعه را مثل مؤلف، هنرمند و مصنف را وادارد تا آنچه را می‌نویسند یا خلق می‌کنند آن چیزی باشد که جامعه به معنای واقعی می‌خواهد و در پرورش روح و روانش تأثیر دارد.

بامید آنکه، پیام رهبری، جامعه کتابداری و اطلاع‌رسان را به حاق وظائف خود که برخاسته از نیاز فطری انسان به دانستن، خوب فکر کردن، انتخاب درست و به موقع نیازمندی‌های اطلاعاتی و دانشی است آشنا سازد و بدانند که ابزارها و وسائل از جمله فناوری روز وسیله‌ای برای سیراب کردن جان‌های تشنه است به گونه‌ای که هویت فردی، کلی، دینی و آنان زنده و روح خلاق و متفکر و نقاد شکفته شود و به بلوغی از تصمیم برسند تا آنچه را که به سود زندگی فردی - جمعی است دریابند و این نخواهد شد مگر با میان‌جیگری و استقامت کتابداران به شرطی که به وظائف خود آشنا باشند، و آن را در قالب ابزار نبینند، هویت

رشته خود را که پاسخ به نیاز جامعه بر اساس اطلاعات درست و شفاف است
دریابند و سرانجام اهل مطالعه باشند و به کار خود عشق بورزند.